

## موضوع: مناظره بسیار زیبای مولا علی(ع) با عالم یهودی

دانشمند یهودی پس از اینکه آوازه حضرت علی (ع) را در علم و دانش و فصاحت و بلاغت شنیده بود تصمیم گرفت به محضر مولا رسیده و با طرح سوالاتی سخت حضرت را به چالش کشیده تا به هدف شوم خودش که در واقع تحقیر مولا بود برسد. او ابتدا تصمیم گرفت از آسمانها سیارات و کرات و... سوالاتی بپرسد ولی خیلی زود متوجه شد اینگونه سوالات سودی ندارد چرا که خودش هم از آنها اطلاعی ندارد و اگر هر چه مولا بگویند نمی تواند آنها انکار کند. چون خودش نمی تواند خلاف آنها ثابت کند. او مدتها فکر می کرد تا اینکه تصمیم گرفت با چهار سوالی که به ظاهر بسیار ساده بوده و بتوان برای آن جواب های متعددی را متصور شد مولا علی (ع) را به مبارزه دعوت کند با این ذهنیت که اگر مولا هر جوابی دادند بتواند بگوید خیر این هم میتواند جواب این سوال باشد. لذا خودش هم در رابطه با جواب هایی که ممکن بود درست باشد کاملا تحقیق کرده و با آمادگی کامل درست مانند کسی که از قبل پیرویش قطعی شده است با گردنی برافراشته، اما به ظاهر متواضع خدمت مولا رسید و سوالات خودش را این چنین مطرح کرد.

1- عرض کرد یا علی(ع) بفرمائید نزدیک چیست و نزدیکتر کدام است؟

2- واجب چیست و واجب تر کدام است؟

3- عجیب چیست و عجیب تر کدام است؟

4- سخت چیست و سخت تر کدام است؟

اما پاسخ های زیبای علی بن ابی طالب علی(ع) را خدمت شما بزرگواران بیان می کنم که موضوع بحث این جلسه ی ماست.

مولا در پاسخ اولین سوال می فرمایند: ای عالم یهودی بدان که قیامت نزدیک است و مرگ از آن نزدیک تر.

1- تصور کنید دانش آموزی فردا امتحان دارد ولی عجله ای برای مطالعه ندارد. وقتی علت را می پرسیم می گوید فردا مثلا امتحان انشاء دارم. جوری برخورد می کند که تصور می شود یک ماه برای امتحان فرصت دارد. از طرفی تصور کنید دانش آموزی ابتدای سال آخر دبیرستان پیش مشاور تحصیلی رفته و می گوید من تا الآن بصورت جدی درس نخوانده ام و تصمیم دارم پزشکی قبول شوم باید چه کنم؟ مشاور می گوید خیلی دیر آمدی. الآن هم باید زود اقدام کرده و زمان را از دست ندهی می دانی تا امتحان کنکور چیزی باقی نمانده است. دانش آموز می گوید هنوز چندین ماه باقی مانده چرا باید این قدر عجله کرد. مشاور می گوید اگر بدانی چقدر باید درس های عقب مانده را جبران کنی می فهمی که چندین ماه فرصت بسیار کمی است.

2- می دانیم برای امتحان انشاء یک روز هم کافی است ولی برای کنکور یک ماه هم کم است. این مثال را عرض کردم تا بگویم ممکن است ما تصور کنیم تا قیامت فاصله بسیار زیادی داریم. ما کجا و قیامت کجا اما وقتی به اهمیت موضوع و قاطعیت آن دقت کنیم می بینیم که بحث سختی جبران خطاها آنقدر وقت گیر و مهم است که فاصله چندین ساله هم بسیار نزدیک می شود.

از طرفی فاصله چندین ساله تا قیامت گر چه در ظاهر طولانی است اما در مقایسه با جاودانگی آخرت بسیار ناچیز می باشد

از طرفی پر واضح است که مرگ از روز قیامت زودتر به سراغ ما می آید چرا که مرگ در واقع مانند پل عبور از دنیا و سپس رسیدن به قیامت است.

می دانیم بسیاری هستند که صبح موقع آماده شدن برای خارج شدن از خانه خودشان لباس پوشیده، جوراب ها را پوشیده، دکمه هایشان را خودشان بسته اند اما قبل از ظهر در غسالخانه آقای غسال بوده که دکمه های پیراهنش را باز کرده جورابش را در آورده و... باید بپذیریم که مرگ هر لحظه در یک قدمی ماست. بخاطر بیاورید آقای راننده ای را که در حین رانندگی پشت چراغ قرمز در کمال تعجب و ناباوری دیگران از دنیا رفت.

3- دلیل دیگر برای نزدیک بودن مرگ این است که گرچه ممکن است ما سالها طول کشیده تا از دنیا برویم ولی چون عموما گذشت عمر همراه غفلت می باشد صد سال آن هم سریع می گذرد. غفلت از مرگ و سرگرم شدن به دنیا و جذب شدن به آن باعث می شود اگرچه به ظاهر زمان طولانی هم باشد ولی سریع سپری شود.

مولا در پاسخ به دومین سوال می فرماید: اطاعت خداوند واجب است و از آن واجب تر ترک گناه کردن می باشد.

می دانیم نوشیدنی تمیز تنها در ظرف تمیز است که می تواند عینیت پیدا کند. اگر ظرف وجود ما آلوده ی به گناه باشد اطاعت پاکیزه در آن ظرف معنایی ندارد. در باب توحید رسول گرامی اسلام(ص) ابتدا می فرمایند قولو لا اله الا یعنی اول شرک را نفی کن بعد می فرمایند الا مگر خدای یکتا

از آنجایی که خداوند فرمانرواست اطاعت از او واجب است اما لازمه ی اطاعت سالم و قبول شده نافرمانی نکردن از دستورات خداوند است

برای اینکه چه کنیم تا گناه نکنیم دستورات زیادی آماده که از جمله نگاه کردن وتوجه داشتن به حقیقت زشت و بد گناه و همچنین توجه به بزرگی خداوندی که ما ممکن است نافرمانی او را بکنیم، می باشد.

مولا در پاسخ به سومین سوال می فرمایند: ای عالم یهودی بدان که عجیب دنیا است و از آن عجیب تر دل بستن به این دنیا است. دنیایی که مردمانش به پیامبری که حرف می زد سنگ می زدند. امام موسی بن جعفر(ع) را به روایتی 14 سال در زندان های هارون الرشید زندانی می کند. مردمانش عید غدیر را دیدند، توصیه های رسول گرامی را در باره حضرت زهرا شنیدند ، شنیده بودند پیامبر فرمودند برای رسالت مزدی نمیخواهم مگر مودت اهل بیتم و بعد با دوازه معصوم پاک آنگونه رفتار کردند. دنیایی که زندگی سلاطین ستمگر آن تماما درس عبرت است برای بی وفایی آن ، دنیایی که شاعر میگوید:

سرشب به تن سر به سر تاج داشت

سحرگه نه تن سر نه سر تاج داشت

به معنای واقعی عجیب نیست؟ و شگفتا که ما بخاطر آن راضی می شویم آخرت جاودان را به او بفروشیم.

پراستی از نظر ما چه کسی زرنگ به حساب می آید؟ ما به چه کسانی غبطه می خوریم و یا نسبت به آنها حسادت می ورزیم؟ آرزوی ما دست یافتن به چه چیزهایی است؟ تعریف خوشبخت از نظر ما چگونه است؟ ما به چه کسی با چه ویژگی هایی خوشبخت می گوئیم؟ ما آخرش می خواهیم به کجا برسیم؟ این مدت چندین ساله از عمرمان گذشت، دنبال چه بوده ایم.

سرور ما شیعیان علی (ع) می فرمایند عجیب دنیاست و از آن عجیب تر دل بستن به دنیاست

مولا در پاسخ به چهارمین سوال می فرمایند: سخت مرگ است و از آن سخت تر از آن بدون توشه رفتن است.

در قرآن و روایات و احادیث و اشعار شاعران و... زیاد تصریح شده است که خود مردن سخت است. اما از آنجایی که دنیای بعد از آن اولا دنیایی است که پایان ندارد. دوما همه گرفتار اعمال و کردار خودشان بوده و سومای نیاز شدید به توشه و آذوقه دارند. بدون عمل صالح از دنیا رفتن یعنی در دوزخ جاودان ماندن است

این سخنان گرچه پاسخ حضرت علی بن ابی طالب به عالم یهودی بوده است اما درس زندگی برای تمام عالم بشریت در تمام زمان هاست.

محمد آل و (ص)محمد بر صلواه برکت به بفرماید عنایت ما همهی به صالح عمل توفیق خداوند که انشا□